Parental Conflicts Regarding Shared Parenting Responsibilities After Divorce

Hamideh Adelian Rassi*: Assistant professor, department of social work, faculty of social sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. hadelyan@yahoo.com

Fatemeh Jafari: Ph.D. in social work, faculty of literature and humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Fatemehjaafart30@yahoo.com

Maryam Rahnama Kamamardakhi: Ph.D. in social work, faculty of social sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. mshrahnama@gmail.com

Abstract

Introduction: The primary goal of this study is to explore the lived experiences of parents with conflicts regarding shared responsibilities after divorce, including the various obstacles they encounter along this journey.

Methods: This study employed a qualitative approach using a descriptive phenomenological method. The study population consisted of divorced families, including fathers and mothers, who visited social work clinics in Tehran. Thirteen participants were selected through purposive sampling, ensuring maximum diversity and reaching the criterion of theoretical saturation. Data was collected in person via semi-structured interviews, and the analysis was conducted using Colaizzi's seven-step method.

Results: The analysis of the research data revealed two primary themes. The first theme addresses the barriers that create conflict in shared parental responsibilities after divorce. This theme includes four sub-themes: cultural barriers, social barriers, legal barriers, and individual barriers. The second theme focuses on post-divorce mechanisms for shared parenting responsibilities, which encompasses four sub-themes: cooperative mechanisms, ineffective mechanisms, avoidant mechanisms, and conflict-escalating mechanisms.

Conclusions: In Iran, there is a lack of advanced legal, educational, cultural, and social systems that protect children's interests before, during, and after divorce. Additionally, there are no specialized institutions that provide essential education on shared parental responsibilities. To promote a culture of shared parental responsibility, it is necessary to implement institutional reforms, encourage cultural and social beliefs that prioritize the child's welfare, and improve parental literacy.

Keywords

Shared Parental Responsibility, Child's Interests, Parental Conflict, Divorce

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 11 Jan 2025
Accepted: 07 Mar 2025

Please cite this article as follows: Adelian Rassi H, Jafari F, and Rahnama Kamamardakhi M. Parental conflicts regarding shared parenting responsibilities after Divorce. Quarterly Journal of Social Work. 2024; 13 (1); 13-25

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

تعارض‌های والدین در ارتباط با مسوولیت‌های مشترک والدگری پس از طلاق

حمیده عادلیان راسی*: استادیار، گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
hadelyan@yahoo.com

فاطمه جعفری: دکتری مددکاری اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. fatemehjaafart30@yahoo.com

مریم رهنما کمامردخی: دکتری مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.
mshrahnama@gmail.com

واژگان کلیدی

مسوولیت مشترک والدگری، منافع کودک، تعارض والدگری، طلاق

* نویسنده مسوول

نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷

چکیده

پیشگفتار: هدف اصلی این مقاله تبیین تجارب زیسته والدین از تعارض‌های مرتبط با مسوولیت‌های مشترک پس از طلاق و موانع مختلف در این مسیر است.

روش: این مطالعه به‌روش کیفی و با استفاده از روش پدیدارشناسی توصیفی انجام شد. جمعیت مطالعه کلیه خانواده‌های طلاق مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مددکاری اجتماعی در شهر تهران اعم از پدر و مادر بودند که با شیوه نمونه‌گیری هدفمند، سیزده مشارکت‌کننده با رعایت بیشینه تنوع و بر پایه معیار اشباع نظری تعیین شدند. جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت حضوری و به‌شیوه مصاحبه نیمه‌ساختار یافته به انجام رسید و در تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد.

یافته‌ها: تحلیل داده‌های پژوهش منجر به شناسایی دو مضمون اصلی شامل بازدارنده‌های ایجاد کننده تعارض در رابطه مسوولیت مشترک والدین پس از طلاق شامل چهار زیر مضمون: بازدارنده‌های فرهنگی، بازدارنده‌های اجتماعی، بازدارنده‌های حقوقی و بازدارنده‌های فردی؛ و سازکارهای والدین پس از طلاق برای مسوولیت والدگری مشترک شامل چهار زیر مضمون: سازکارهای توافقی، ناکارآمد، اجتنابی و تعارض افزا شد.

پی‌آمد: در ایران نظام حقوقی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی پیشرو نسبت به حفاظت از منافع کودک قبل از طلاق، در جریان طلاق و پس از آن وجود ندارد، از سویی دیگر نهاد ویژه‌ای برای آموزش‌های لازم در زمینه مسوولیت مشترک والدگری وجود ندارد، بنابراین ترویج فرهنگ مسوولیت مشترک والدین وابسته به اصلاح نهادی، ترویج باورهای فرهنگی و اجتماعی حافظ منافع کودک و افزایش سواد والدین است.

نحوه استناد به مقاله

حمیده عادلیان راسی، فاطمه جعفری و مریم رهنما کمامردخی. تعارض‌های والدین در ارتباط با مسوولیت‌های مشترک والدینی پس از طلاق . فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۴۰۳؛ ۱۳ (۱): ۲۵-۱۳

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

آمـار رو بـه فزونی طلاق در جهان و تلاش‌های بی‌ثمر نهادهای اجتماعی، سیاسـی ودولت‌ها در کنترل این پدیده، آن را به یکی از واقعیت‌های دنیای مدرن تبدیل کرده است که موجب تغییر ساختار خانواده و شکلگیری انواع نوظهوری از خانواده چون خانواده‌های تک والدینی گردیده است. از آن‌جایی که میزان طلاق سال به سال افزایش می‌یابد، تعداد فرزندان تحت تاثیر این مسـاله نیز روند رو به رشـدی را داشته اسـت. از همین رو دادگاه‌ها، وکلا و والدین با این معضل مواجه هستند که چگونـه امـور خانواده از جمله روابط بیـن والدین و فرزندان را بعد از طلاق تنظیم کنند، تا منافع کودک به بهترین شـکل حفظ شـود.[۱] در سایر کشـورها نیز این مساله جدی شده که چگونه می‌توان بر اساس مصلحت کودک در قوانین خانواده اصلاحاتی ایجاد کرد که متمرکز بر مسـوولیت والدین پس از طلاق باشـد.[۲] در ایران بررسی آماری نشان می‌دهد از سال ۱۳۹۰تا سال۱۴۰۰ روند طلاق افزایشی بوده و نرخ آن از یک ممیز نه دهم به دو ممیز چهار دهم درصد فزایش یافته است،[۳] همچنیـن ایران در رتبه چهارم جهانی از نظر نرخ طلاق اسـت.[٤] طلاق به‌خودی‌خـود منجر به پیامدهای منفی بر اعضای خانواده نمی‌شـود، بلکه منجر به تغییرات زندگی خانوادگی و شـرایط استرسزا می‌شـود که خطر انواع مشکلات را در بین اعضای خانواده و به‌ویژه فرزندان افزایش می‌دهد. این عوامل استرسـزا به سـطوح تعارض بین والدین قبل و بعد از طلاق، کیفیت روابط ضعیف فرزند با والد سرپرسـت، دفعات کمتر تماس فرزند با والدین غیرسرپرست، منابع اقتصادی محدود و سایر رویدادهای استرسزا مانند تغییر محل سکونت باز می‌گردد. به‌عنوان نمونه سبک دلبستگی کودکان تحت تاثیر احترام و همکاری والدین، تعارض بین والدین، اسـتراتژی‌های فرزندپروری مثبت، وضعیت عاطفی و بی‌ثباتی والدین در طول فرآیند طلاق و دوره پس از طلاق دارد.[۵] لذا با پذیرش این پدیده، اتخاذ سازکارهای مناسب در تداوم و بهبود روابط سالم، پویا و معنادار والدین مبتنی بر مسوولیت‌پذیری مشترک، نقش مهمی در کاهش اثرات منفی آن بر اعضای خانواده به‌ویژه کودکان و نهایتا جامعه خواهد داشت. مفهوم مسوولیت‌پذیری مشترک والدین بر مجموعه‌ای از مسوولیت‌ها، حقوق و توانمندی‌هایی که هدفش بهبود و تضمین حقوق و رفاه کودک مطابق با ظرفیت‌های مرتبط با رشـد اوسـت، اشـاره دارد. این مسوولیت‌ها شـامل مباحثی مانند رشـد و سلامت کودک، ارتباطات فردی، تعلیم و تربیت و وکالت قانونی در تصمیم‌هایی برای محل اقامت همیشگی و امور مربوط به دارایی‌های وی است.[٦] تیوبرت و پین گوارت چهار مولفه فرزندپروری مشترک را معرفی کرده‌اند. همکاری مبتنی بر صداقت و احترام، توافق در مراقبت و آموزش کودک، تعارض کارشکنی‌های والد دیگر در زمینه فرزندپروری و در نهایت مثلث سازی ائتلاف بین یکی از والدین و کودک این چهار مولفه هستند.[۷] مرور پیشنیه در داخل کشور نشان می‌دهد مطالعات متعدد در زمینه طلاق اغلب بر علت و یا پیامد پژوهی متمرکز بوده‌اند. مطالعات علت پژوهی به مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جسـمانی، جنسی، روان‌شـناختی مانند رویدادهای آسیبزای روانی مانند خشونت، خانوادگی مانند دخالت والدین و سطح انرژی عاطفی در خانواده در زمینه گرایش به طلاق، عوامل فردی مانند رضایت زناشـویی، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، تفاوت طبقانی زوجیـن پرداخته‌اند. همچنین بر پایه پژوهش‌های صورت گرفته داخلی، فرزندپروری پس از طلاق یکی از مهمترین پیامدهای طلاق مطرح می‌شود. از سوی دیگر فرا تحلیل پژوهش‌هـای داخلی مربوط به حوزه فرزندان طلاق نشـان می‌دهد که به‌طور عمـده پژوهش‌های داخلی به سلامت روان و زیرمقیاس‌های آن توجه کرده اسـت و پژوهش‌های محدودی در راسـتای بررسی و کشف چالش‌های فرزندپروری پس از طلاق انجام شـده اسـت. برای مثال، پژوهش خجسته مهر و همکاران[۸] که فرزندپروری پس از طلاق را مورد بررسی قرار داده است نشان می‌دهد از نظر والدین، فرزندپروری پس از طلاق، تکلیف چالش‌برانگیزی است. چگونگی ارتباط والدین، نیازهای فردی و منابع حمایتی آن‌ها پس از طلاق نگرش و هیجانات والدین نسبت به فرزندپروری را متاثر می‌سازد و تجارب والدین در جریان فرزندپروری پس از طلاق شـامل آسـیب روانی، رشد و پختگی اسـت. حمیدی و همکارانش[۹] نیز در پژوهش خود، تجربه زیسته والدین از چالش‌های فرزندپروری پس از طلاق را با رویکردی پدیدارشناختی بررسی کرده‌اند. مضامین اصلی حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها عبارت بودند از: ناسازگاری فرزندان پس از طلاق، مشکلات روان‌شناختی والدیـن، چالش‌های والدین با یکدیگر، چالش‌های والدین با فرزندان، ناآگاهی والدین از فرزندپروری پس از طلاق، تغییر ساختار خانواده پس از طلاق و راهکارهای ناکارآمد والدین. بر اساس یافته‌های این پژوهش با توجه به تغییر ساختار خانواده پس از طلاق، استفاده از شیوه‌های کارآمد در فرزندپروری بر سازگاری کودکان تاثیرگذار خواهد بود.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

در پژوهش‌هـای خارجـی تاثیـرات مثبـت فرزندپروری مشـترک بر مسـاله‌های متعددی از جملـه به حداقل رسـانیدن تعارضات والدین و سـایر آسـیب‌های مرتبط با جدایی مورد بررسـی قرارگرفته‌اند. به‌عنوان نمونه پژوهشـی که در کانادا ۱۰] صورت گرفت نشـان می‌دهد، پس از طلاق والدین، ترتیب دیدن فرزند با والد غیرسرپرسـت در سلامت روان کودک تاثیر مهمی دارد. ترتیب زمانی دیدن فرزند با والد غیرسرپرست ممکن اسـت برابر، منظم، نامنظم، فقط از راه دور یا هیچ‌کدام باشـد. پس از جدایی والدین، شـانس نسبی داشتن سلامت روان یا مشکلات عملکردی در میان کودکانی که تماس نامنظم با والدین دیگر داشـتند، بالاترین میزان بود. لذا از جمله سـازکارهای مهم در والدگری مشترک تعریف ترتیب زمانی تماس والدین با کودک متناسـب با حفظ بالاترین مصلحت برای کودک اسـت. در زمینه فرزندپروری مشـترک دو مدل بوم‌شناختی فرزندپروری مشترک و مدل مداخله‌ای-درمانی میانجیگری خانـواده برای فرزندپروری مشـترک مبتنی بر همـکاری پس از طلاق عرضه شـده اسـت. مدل بوم‌شـناختی بـا نگاهی کل‌نگر، در سـطح فردی شـامل نگرش، سلامت جسـمی و روانی-هیجانـی؛ خانوادگی شـامل کیفیت روابط بین فردی والدین و فرا خانوادگی شـامل حمایت اجتماعی فرا خانوادگی به‌عنوان عامل محافظت‌کننده به بررسی عواملی می‌پردازد که می‌توانند بر فرزندپروری مشـترک اثرگذار باشند.[۱۱] مدل میانجیگـری خانواده نیز به والدین کمک می‌کنـد تا همکاری متقابل در گسـترش برنامه‌های فرزندپروری مشترک داشته باشند. در این مدل

نمودار(۱) مدل تحلیلی پژوهش

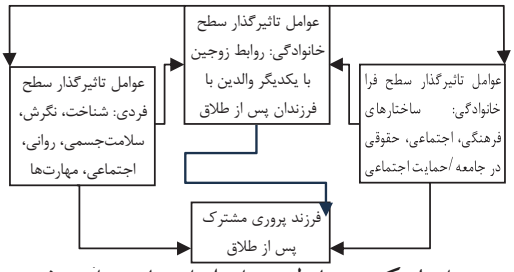

مداخله کننده با طی مراحل ارزیابی، آموزش، مدافعه‌گری، تسهیل در مذاکرات، حمایت و مشکل‌گشایی مستمر تلاش در جهت هدایت والدین در فرایند فرزندپروری مشـترک مانند شناخت افراد و مهارت‌های آنان در مذاکره-ارتباطـات و حـل مسـاله دارد.[۱۲] ترکیب ایـن دو مدل، هدایت‌کننده پژوهشـگران در صورت‌بندی پرسش‌ها در راستای دستیابی به اهداف پژوهش بوده است. مدل مفهومی این پژوهش در نمودار شـماره یک آمده است. بنابراین در این پژوهش تلاش شد تعارض‌های والدیـن در مسـوولیت‌های مشـترک پس از طلاق و موانع مختلف در این مسـیر از طریق مصاحبه‌هـای عمیق بـا والدین طلاق گرفته، شناسایی و تبیین شود.

روش

روش پژوهـش پیشـرو کیفی با بهره‌گیـری از روش پدیدارشناسـی توصیفی جهت واکاوی اندیشـه‌های والدین در زمینه کشـف سازکارهای مانع‌ساز مسـوولیت‌های مشترک والدین پس از طلاق اسـت. جمعیت مطالعه کلیه خانواده‌های طلاق مراجعه‌کننـده به کلینیک‌های مددکاری اجتماعی در شـهر تهـران اعم از پدر و مادرانی بود که بـا تعارض‌های والدگری مشترک پس از طلاق درگیر بودند. از طریق شیوه نمونه‌گیری هدفمند، سیزده مشارکت‌کننده با رعایت بیشینه تنوع و بر پایه معیار اشـباع نظری تعیین شدند. به‌عبارت‌دیگر نمونه‌گیری تا زمانی که داده‌های جدیدی به‌دست آید، ادامه یافت و زمانی که داده‌ها به مرحله تکرار رسید، نمونه‌گیری به پایان رسید. مشارکت‌کنندگان از خرداد تا شهریور ۱۴۰۰ به‌روش نمونه‌گیری هدفمند با رعایت بیشینه تنوع انتخاب شدند. جدول شماره یک ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آن ها را بیان می‌کند.

سـنجه‌های ورود: شـامل تمایل به مشـارکت در این پژوهش، داشـتن سواد شـناختی کافی برای در اختیار گذاشتن تجارب خویش و داشـتن تجربه طلاق و فرزندپروری پس از آن بود. از میان افراد مراجعه‌کننده به کلینیک‌های مددکاری اجتماعی در شـهر تهران، آن‌هایی که واجد معیارهای اشاره‌شـده بودند و تمایل به مشـارکت در پژوهش داشتند، دعوت به مصاحبه شدند. برای توصیف بهتر و داده‌های فربه‌تر از نمونه‌های ناهمگون و متنوع استفاده شد؛ تا در توصیف پدیده اصلی دیدگاه‌های متفاوت به‌دست آید، همچنین از نظر جنسیت، میزان سواد، وضعیت اقتصادی و شرایط حضانت متفاوت باشند.

جمع‌آوری داده‌ها با مصاحبه عمیق و نیمه‌سـاختاریافته به‌صورت حضـوری جمع‌آوری گردید. در تحلیل داده‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد.در گام نخست متن مصاحبه‌ها پیاده‌سازی و معنای اصلی مورد نظر مشارکت کننده و نکات مهم هر مصاحبه تعیین شـد. در گام بعدی عبارات مهم در راستای هدف اصلی پژوهش استخراج گردید. در مرحله

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

سوم عبارت در قالب واحدهای معنایی فرموله شدند و در مرحله چهارم، واحدهایی معنایی مشابه‌دسته‌بندی شـدند. در مرحله پنجم زیر مضمون‌ها بر اسـاس مشـابهت، دسـته‌بندی شـدند. در مرحله ششـم از ادغـام مضامین فرعـی، مضامیـن اصلی پدیدار شـدند و در مرحله هفتم نیز اعتبار یابی صورت گرفت.

اعتبار یابی بر اساس چهار معیار باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیـری و تایید پذیری به انجام رسـید. به‌منظـور رعایت این اصول، پس از هر مصاحبه از مشارکت‌کننده در مورد صحت معنای دریافت شـده از مصاحبه‌نظرخواهی شد. همچنین پس از کدگذاری و تعیین مضامین، نتایج در اختیار مشـارکت‌کنندگان قرار گرفت تا نتایج استخراج‌شده را با اظهارات خود انطباق دهند. در تمامی مراحل کدگذاری از ناظر خارجی متخصص در حوزه موضوع پژوهش کمک گرفته شد.

به‌منظـور رعایـت اخلاق در پژوهش، مصاحبه‌ها بـا توجه به رضایت مشـارکت‌کنندگان ضبط شد و زمان و مکان مصاحبه‌ها نیز با هماهنگی آن‌هـا تعیین شـد. بـه مشـارکت‌کنندگان اطمینان داده شـد که اصل محرمانگی در خصوص اظهارت و اطلاعاتی که در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند، رعایت می‌شـود و انتشار اطلاعات به‌گونه‌ای خواهد بود تا هویت گوینده و بیان‌کننده آن‌ها مخفی بماند.

یافته ها

میانگین سنی مشارکت‌کنندگان این پژوهش سی و چهار ممیز پنج دهم سـال بود، سـایر ویژگی مشارکت‌کنندگان و همسرشـان شامل سن، تحصیلات، شـغل، مدت‌زمان ازدواج، تعداد فرزند، جنسـیت فرزنـدان و تعداد دفعات ازدواجشان در جدول شماره یک آمده است.

تحلیل تجارب مشـارکت‌کنندگان منجر به شناسایی دو مضمون اصلی شـامل بازدارنده‌های ایجادکننده تعارض در رابطه مسـوولیت مشـترک والدین پس از طلاق شامل چهار زیر مضمون: بازدارنده‌های فرهنگی، بازدارنده‌های اجتماعی، بازدارنده‌های حقوقی و بازدارنده‌های فردی؛ و سازکارهای والدین پس از طلاق برای مسوولیت والدگری مشترک شـامل چهار زیر مضمون: سـازکارهای توافقی، ناکارآمد، اجتنابی و تعارض افزا شـد. هر یک از مضامین و زیر مضمون‌های آن در جدول شماره دو آمده است.

جدول(۱) ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

مشارکت کننده	جنسیت	سن	تحصیلات	شغل	شغل همسر	تحصیلات همسر	مدت ازدواج	فرزند تعداد	فرزند جنس	فرزند سن	دفعات ازدواج
۱	زن	۳۳	دیپلم	خانه‌دار	آرایشگر	سیکل	۱۵	۱	پسر	۱۵	۱
۲	مرد	۲۸	کارشناسی	آزاد	مزون	کارشناسی	۱۰	۱	دختر	۵	۱
۳	زن	۳۸	کارشناسی	بازاریاب	کابینت ساز	دیپلم	۲	۱	پسر	۱۱	۲
۴	زن	۳۸	کارشناسی	آرایشگر	نقاش ماشین	دیپلم	۱۵	۱	پسر	۱۰	۱
۵	زن	۴۸	کارشناسی	بازاریاب	کارگر	کارشناسی	۲۲	۱	دختر	۱۶	۱
۶	زن	۲۹	کارشناسی	ماما			۱۷	۱	پسر	۱۵	۱
۷	زن	۳۳	کارشناسی	خانه‌دار	آرایشگر	سیکل	۱۵	۱	پسر	۱۲	۱
۸	زن	۳۲	دکتری	دانشجو	بیکار	دیپلم	۱۰	۱	دختر	۲	۱
۹	زن	۴۰	کارشناسی	ماما	کارمند بانک	دانشجوی دکتری	۱۴	۲	هردو	۱۶ و ۱۲	۱
۱۰	زن	۲۸	سیکل	خانه‌دار	تأسیسات	سیکل	۷	۱	دختر	۵	۱
۱۱	زن	۳۱	دانشجوی کارشناسی ارشد	دانشجو	کارمند	لیسانس	۶	۱	دختر	۹	۱
۱۲	زن	۳۳	دیپلم	خانه‌دار	مکانیک	زیر دیپلم	۱۴	۲	هردو	۸ و ۱۲	۱
۱۳	مرد	۳۷	کاردانی	معلم	خانه‌دار	دیپلم	۹	۱	پسر	۷	۱

بازدارنده‌های فرهنگی ایجادکننده تعارض در رابطه با مسـوولیت‌های مشـترک والدین پـس از طلاق: در این محورپنج مضمون فرعی به این شرح زیر استخراج شد.

مضمون یکم، فرزندپروری امری مادرانه: در ایران مراقبت امری مادرانه محسـوب می‌شود از همین رو، پدر که تا قبل از جدایی مسـوولیت مراقبت را بر عهده نداشـته اسـت، پس از جدایی با بحران مراقبت روبرو می‌شـود و در صورت قبول حضانت به‌دلیل نداشتن فرصت و مهارت لازم، مراقبت فرزند را به یکی از اقوام مونث فامیل چون مادربزرگ، عمه، زن‌عمو و مانند آن واگذار می‌کند که این مسـاله سلامت جسـمی و روانی کودک را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد. در این باره مشـارکت‌کننده شماره پنج گفت: «تو ایران والدگری مشـترک جواب نمی‌ده. زن‌ها اکی هستن ولی مردا خیلی اذیت می‌کنن، مردا زیاد بچه نگهدار نیستن و خیلی کم‌پیش می‌یاد شاید تو خارج بشه ولی اینجا نه.» وجود نگرش‌های سنتی در فرزندپروری قبل و بعد از جدایی ، آن‌گونه از تنظیمات والدگری که مسوولیت‌های مشترک ادامه‌دار والدین در برابر کودکان را می‌طلبد و کودکان را قادر به حفظ رابطه معنادار با هر دو والد می‌نماید، با چالش عمده‌ای مواجه می‌سازد.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

مضمون دوم، رهاشدگی مادران تنها: زنان مادری را آرمان گرایانه‌سازی می‌کنند و می‌کوشند تا استراتژی‌های گوناگونی را برای پاسخ‌های متناسب با انتظارات اجتماعی متناسب با مادر خوب به‌کار گیرند، اما این احساس پس از طلاق به‌دلیل رهاشدگی زنان و فقدان حمایت، تبعات منفی برای زنان به‌همراه دارد. ترس از تنهایی و آینده، احساسی است که زنان مطلقه بیش از مردان حس می‌کنند. این ترس ناشی از نگرانی اداره زندگی خود و فرزندان است. درگیر شدن با بازار کار و به دوش کشیدن مشکلات تربیتی و اقتصادی کودکان، بزرگترین عامل ترس این گروه از زنان است. نبود مهارت‌های حرفه‌ای مناسب جهت استقلال مالی و بروز مشکلات اقتصادی، مشکلات فرزندپروری، مشکل سرپناه، محدودیت‌های اجتماعی، محدودیت‌های خانواده و ازدواج مجدد و مشکلات روان‌شناختی و تنهایی از جمله مهمترین مشکلات زنان پس از جدایی است. دراین‌باره مشارکت‌کننده شماره ده گفت: «من امکانش رو ندارم که مسوولیت‌های بچه رو بر عهده بگیرم و این‌که نمی‌تونم پیشش باشم حس گناه و افسردگی شدید دارم. در حال من حاضر شغلی ندارم و باید دنبال کار بگردم ، با این‌که بچه دختره و به من نیاز داره ولی من نمی‌تونم مسوولیتش را قبول کنم.»

مضمون سوم، طلاق تابویی اجتماعی برای زنان: در نظام اجتماعی ایران امکان دستیابی به‌جایگاه مناسب اجتماعی و اقتصادی برای زنان مطلقه به سختی قابل حصول است، طرز تفکر و باور غلط افراد و داوری آن‌ها نسبت به این زنان از یک سو و حس سرزنشگرایانه زنان مطلقه از سوی دیگر، نتیجه‌ای جز احساس یاس، سرخوردگی و از دست رفتن اعتمادبه‌نفس برای آن‌ها نخواهد داشت و در نهایت باعث گوشه‌گیری و کنار رفتن آن‌ها از فعالیت‌های اجتماعی خواهد شد. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره دو گفت: «من سعی می‌کنم از ایران برم و پسرم رو هم با خودم ببرم چون در اونجا طلاق جا افتاده‌تر است، در ایران جا نیفتاده و نگاه منفی و دلسوزانه‌ای نسبت به زن مطلقه وجود داره.» اصطلاح فرزند طلاق و زن مطلقه دارای بار منفی است. بسیاری از والدین فرزندان خویش را از ارتباط با افرادی که فرزند طلاق هستند منع می‌کنند. خیلی‌ها معتقدند زندگی فرزندان طلاق قطعا منجر به جدایی و طلاق می‌شود. این اشخاص طلاق را یک علامت شکست می‌دانند. آن‌ها فکر می‌کنند کسی که فرزند طلاق است، قطعا در زندگی خویش انسانی شکست‌خورده و ناموفق است. به‌دلیل نگاه منفی، زنان مطلقه و کودکان طلاق همواره نگرانی و استرس از ابراز موقعیت خانوادگی خود دارند و در بسیاری از موارد موضوع را از دیگران مخفی نگاه می‌دارند که این موضوع روابط اجتماعی آن‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره سه گفت: «من می‌گم نیازی نیست حتما به بقیه بگی چون به بچه‌ها برچسب می‌زنن، به مدرسه اگه لازم باشه می‌گم. توی محیط کار خیلی‌ها نمی‌دونن، دوست ندارم مشتری‌هام بدونن.» پیشبینی سازکارهای حمایتی برای توانمندسازی زنان پس از جدایی و بسترسازی بیشتر برای اشتغال آنان علاوه بر اثرات مثبت در سطح فردی برای زنان مطلقه و کودکانشان، تاثیرات مثبتی را در سطح جامعه موجب گردیده و منجر به تغییر در نگرش‌ها به زنان مطلقه می‌گردد.

مضمون چهارم، مالکیت فرزند امری پدرانه: از جمله مساله‌های زنان مطلقه در بخش قیمومیت و حضانت فرزند، اختیار محدود آن‌ها نسبت به پدر و رجحان داشتن جد پدری بر مادر است به‌طوری‌که گرفتن حق حضانت فرزند صرفا به معنای زندگی کردن کنار فرزند بوده و همچنان امور اصلی او بر عهده پدر و جد پدری است و در صورت ازدواج مجدد زن، حضانت از او سلب می‌گردد و ادامه تنظیمات والدگری مشترک نیز دچار مخاطره می‌گردد. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره یک گفت: «اگر همسرم ازدواج کنه، بچه با من می‌یاد و اگه جفتمون هم ازدواج کنیم بازم بچه با منه.

جدول(۲) مضامین اصلی و فرعی پژوهش

مضمون اصلی[مضمون فرعی(مضمون جزئی// مضمون جزئی// مضمون جزئی//...)/// مضمون فرعی(مضمون جزئی// مضمون جزئی// مضمون جزئی//...)// ...]
بازدارنده‌های ایجادکننده تعارض در رابطه مسوولیت مشترک والدین پس از طلاق[بازدارنده‌های فرهنگی ایجادکننده تعارض(فرزند پروری امری مادرانه// رهاشدگی مادران تنها// طلاق تابویی اجتماعی برای زنان// مالکیت فرزند امری پدرانه// حرمت شرعی زنان و مردان پس از جدایی)/// بازدارنده‌های اجتماعی ایجادکننده تعارض(شبکه حمایتی غیررسمی ضعیف// فقدان آموزش زوج‌های مطلقه درباره منافع کودک// تعارض‌های ادامه‌دار پس از جدایی)/// بازدارنده‌های حقوقی ایجادکننده تعارض(سیستم حقوقی بازدارنده مسوولیت مشترک والدینی// فقدان سیاست‌گذاری مناسب در حمایت از والد تنها)/// بازدارنده‌های فردی ایجادکننده تعارض(الگوی زندگی هیجان محور// تعارض‌های حل‌نشده و تجمعی از ابتدای ازدواج// تفاوت دیدگاه در مراقبت از کودک چالش جدی در مسوولیت مشترک والدینی// اشتغال والدین چالشی در مسوولیت مشترک والدینی// ازدواج مجدد والدین چالش مسوولیت مشترک والدینی)]
سازکارهای والدین پس از طلاق برای مسوولیت والدینی مشترک[سازکارهای توافقی/// سازکارهای ناکارآمد/// سازکارهای اجتنابی/// سازکارهای تعارض افزا]

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

اگــه ازدواج کنه من نمی‌ذارم بچه خونشــون بــره چون ذهنیت خوبــی از ناپدری ندارم.» بــا تصــور مالکیت پدر بــر فرزنــد، زنان در موقعیت‌های مختلف تصمیمگیری از قدرت انتخــاب کمــی برخوردارند و در بســیاری موارد برای حفظ موقعیت مادری از بســیاری از نیازهــای ضــروری و منطقی خود دســت کشــیده و فرصت‌های پیشروی خود را فدای ادامه نقش مادری می‌کنند و برای حفظ رابطه مســتمر با فرزند در تصمیمات مشترک مرتبط با کودک، نقش منفعلانه‌ای ایفا می‌کنند.

مضمــون پنجــم، حرمــت شــرعی زنان و مــردان پــس از جدایی: وجــود باورهای فرهنگی مبنی بر ارتباط نداشتن زوجین بعد از طلاق مانع بزرگی بر سر راه والدگری مشترک و ارتباط والدین پس از جدایی است. در این باره مشارکت‌کننده شــماره پنج گفت: «در ایران مثل خارج نیســت که ذهنشون باز باشه و پــدر و مادر بتونن بعد از طلاق باهم ارتباط داشــته باشن، من خودم خیلی اکی هستم که حتی توی همون خونه زندگی کنم ولی مطمئنم شوهرم طلاق بگیره دیگه ول می‌کنه و می‌ره، حتی اگــر خودش هــم بخواد خانــواده‌اش مخالفــت می‌کننــد ..» از نیازهای اساســی کــودکان گذراندن زمان‌هایی بــا هر دو والد در طی برنامه‌هایی چون جشــن تولد، سینما، مســافرت و... اســت این در حالی است که در ایران به‌دلیل حرمت شــرعی زن و مرد پس از جدایی، بســیاری از نیازهای کودک پاسخ مناســبی دریافت نمی‌کنند و این امر بهزیستی کودکان را با تهدیدی جدی مواجه می‌سازد.

بازدارنده‌های اجتماعی ایجادکننده تعــارض در رابطه با مســوولیت‌های مشــترک والدین پس از طلاق: در این محور سه مضمون فرعی به این شرح استخراج شد.

مضمون یکم، شــبکه حمایتی غیررســمی ضعیف: وجود شبکه‌های حمایتی غیررسمی، یکی از عوامــل محافظت‌کننده فرزندپروری مشــترک پس از جدایی اســت کــه موجب حفظ و تداوم ارتباط و پذیرش مســوولیت‌های والدگری پس از جدایی است. وجود خانواده حمایتگر برای زنان موجب تقلیل حس رهاشدگی و تنهایی و کاهش اســترس در آنان پس از جدایی است که در صورت حضــور فرزند در زندگی امکان پذیرش و ادامه‌دار شــدن ارتباط مادر با فرزند را نیز آســانتر ســاخته و کیفیت تعامل را عمق می‌بخشــد این در حالی است که در صورت همکاری نکردن شبکه‌های غیررسمی امکان ادامــه ارتباط والدین با فرزندان پس از جدایی مورد تهدید قرار می‌گیرد. فقدان شبکه حمایتی غیررســمی پس از وابستگی مالی زنان، مهمترین مانع برای زنان در پذیرش مسوولیت‌های والدگری مشترک پس از طلاق است. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره پنج گفت: «خانوادم می‌گن تــو توانایی مالی نداری که بخوای بچه رو بزرگ کنی و خواهر و برادرم خیلی خواستار طلاق هستند و با این‌که رابطه عمیقی با دخترم دارند ولی می‌گن بده به پدرش.»

مضمــون دوم، فقــدان آموزش زوج‌هــای مطلقه دربــاره منافع کودک: طولانی شدن پروسه طلاق و فرسودگی روانی و جسمی ناشی از آن در بسیاری موارد موجب می‌گردد والدین به‌سختی تمرکزشان را بر نیازهــای کودکان حفظ کنند و در برنامه‌هــا و توافق‌های خود، منافع و مصالح کودکان را در حاشیه قرار دهند. نپرداختن به این مساله از سوی نهادهای رســمی نیز تشــدیدکننده این موضوع اســت. وجود نهادهای اطلاع‌رســان و آموزش‌های لازم برای والدین در زمینه نیازهای کودکان در حیــن و پس از طلاق، بر توافق‌هــا و برنامه‌های پس از جدایی و در فرزندپروری والدین موثر است. به‌دلیل نبود چنین برنامه‌هایی، والدین و کودکانشان با صدمات جبران‌ناپذیری مواجه می‌شوند. آشنایی والدین با نیازهای کودکان و تمرکز بر آن‌ها، والدین را به تنظیم نوعی از والدگری پس از طلاق تشویق می‌کند که بهترین مصلحت را برای کودکانشان در بر داشته باشــد. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره یک گفت «توی فراینــد طلاق هر زمان که نشســتیم با هم گفتگو کنیم که بعد از طلاق مســوولیت‌ها چه طور می‌شــه دعوامون می‌شــد و به‌خاطر خودخواهی خودمون بود چون من کامل برای خودم می‌خواستم و شهرزاد هم کامل اون رو برای خودش می‌خواست.»

مضمون ســوم، تعارض‌های ادامه‌دار پــس از جدایی: توانایی والدین برای کاهــش تعارض‌ها و همکاری با یکدیگر در رابطه بــا وظایف والدگــری و تصمیم‌ســازی از ضروریــات و پیش‌نیاز قبول مســوولیت‌های مشــترک والدگری پس از جدایی است. کاهش و حل تعارضــات والدین و ترغیــب آنان به قبول مســوولیت‌های والدگری در ارتباط با فرزنــدان و ارتقای مهارت‌های حل مســاله، کلید اصلی ایجاد رابطه ســالم و معنادار با کودکان اســت. سرپرســتی مشــترک راه حل آســانی نیســت، ولی بهترین راه بــرای اطمینان از این نکته اســت که نیازهای کودکان تامین خواهد شــد و آن‌ها قادر به برقراری مجدد رابطه

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

صمیمی، با والدین خواهند بود. در واکاوی تعارض‌های زناشویی اغلب خانواده‌ها از تعارض مزمن و حل‌نشده و انباشتی رنج می‌برند. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره ده گفت «دیدن همسرم آزارم می‌ده، از شنیدن صداش بدم می‌آید و اگر می‌خواد بچه را برای من بیاره باید اون رو بزاره پشت در و بره.» چشم‌پوشی و غلبه بر مشکلات گذشته‌ای که با همسر قبلی داشته‌اند، بی‌نهایت سخت بوده و همچنین، گذشتن از خشم و تنفر گذشته به‌سختی امکان‌پذیر است. تصمیمگیری‌های مشترک، رابطه داشتن با هم، یا فقط صحبت کردن با شخصی که لحظات و خاطرات سختی را با او گذارنده‌اند، ممکن است تکالیفی غیرممکنی به‌نظر برسند این در حالی است که پیش‌شرط فرزندپروری مشترک هماهنگی و همکاری و حفظ رابطه‌ای سازنده و دارای مرزهای منعطف و کارآمد بین والدین است.

بازدارنده‌های حقوقی ایجادکننده تعارض در رابطه با مسوولیت‌های مشترک والدین پس از طلاق: در این محور دو مضمون فرعی به این شرح استخراج شد.

مضمون یکم سیستم حقوقی بازدارنده مسوولیت مشترک والدگری: یکی از چالش‌های اساسی در سیستم حقوقی که نقشی مهم در مسوولیت مشترک والدین ایفا می‌کند، مساله حضانت است. در ایران بر پایه قانون در صورت طلاق، حضانت فرزندان تا هفت سالگی با مادر و بعد از آن، تا سن بلوغ بر عهده پدر است. البته بر پایه ماده چهل و پنج قانون حمایت از خانواده، اگر بعد از هفت سالگی، بین زن و مردی که از هم جدا شدند، درباره حضانت طفل اختلاف حاصل شد، دادگاه با توجه به مصلحت کودک در خصوص حضانت او تصمیمگیری می‌کند. در طلاق توافقی تعیین حضانت طفل بعد از طلاق بر عهده والدین است و در این زمینه دادگاه دخالتی نمی‌کند، چه‌بسا که والدین با توافق یکدیگر حضانت فرزند سه‌ساله را به پدر واگذار کنند.

اینجا با تناقض قانونی روبرو هستیم، بدین معنی که تنظیم قوانین به‌گونه‌ای است که حقوق مادران در سر راه مسوولیت مشترک والدگری بازداشته می‌شود و یک نوع مردگرایی اقتدارگرا نسبت به زن شکل می‌گیرد، حتی زمانی که قوانین در جهت حمایت از مادر است، به‌عنوان نمونه نفقه کودک بر عهده پدر است، چون پدر ولایت قهری او را بر عهده دارد، همین سبب می‌شود که مادران برخی زمان‌ها از پذیرش مسوولیت کودک سرباز بزنند، چون از یکسو خود را توانمند و موظف به تامین مالی ندیده و از سویی دیگر پدر را تنها عهده‌دار تامین مالی می‌بینند که این خود زمینه‌ساز برخی تعارض‌ها در مسوولیت مشترک والدگری می‌شود، به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده سه بیان کرد «خانواده‌ام کاری ندارن که من مسوولیت بچه‌ام را بر عهده بگیرم، ولی همکارام می‌گن نه این کار رو نکن، چون مسوولیت بچه مشکلات مالی داره و شرایط سخته...»

همچنین، برای شخصی که حضانت را بر عهده ندارد، حق ملاقات با فرزند بر پایه ماده یک هزار و یکصد و هفتاد و چهار قانون مدنی محفوظ است، اما به‌نظر می‌رسد یکی از چالش‌های مسوولیت مشترک والدگری در همین قوانین نهفته است، به این معنی که در صورت واگذاری حضانت به یکی از والدین، برای والد دیگر حق ملاقات و نه حق مسوولیت مشترک در نظر گرفته می‌شود و این موضوعیست که یکی از بازنمودهای آن در کمرنگ شدن مسوولیت‌های مشترک والدگری است. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره یک بیان کرد «در مورد حضانت بچه هنوز تصمیم نگرفتیم چون یک شب بچه نباشه من بی‌تابم ولی از نظر قانونی تا هفت سال با مادره... ولی اگه مادرش ازدواج کنه من نمی‌ذارم بچه خونشون بره چون ذهنیت خوبی از ناپدری ندارم.»

مضمون دوم فقدان سیاستگذاری مناسب در حمایت از والد تنها: نبود سیاست‌های مشخص در حمایت از والد تنها و نبود نهادهایی که علاوه بر حمایت از والد تنها مسوولیت مشترک والدگری را تشویق کنند، سبب می‌شود که مصالح کودک تضییع شود. به‌عنوان نمونه والد مادری که تنهاست به‌دلیل ساعات طولانی اشتغال قادر به نگهداری و مراقبت از فرزند نیست و یا زمانی که اقدام به اجاره منزل می‌کند چون مطلقه است به‌دلیل تابوهای اجتماعی در تامین حق اساسی چون تامین مسکن دچار دشواری است. یا به‌دلیل همین تابوی اجتماعی روابط اجتماعی وی با دیگران محدود می‌شود. چون در ساختار جامعه کوشش بر تقبیح طلاق و نگهداشت ساختار خانواده است، بنابراین سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تقویت حمایت اجتماعی از والد تنها به‌ویژه مادر نیست و عملا در این زمینه با یک گسست اجتماعی روبرو هستیم. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده چهار بیان کرد «در ماه تقریبا یک‌میلیون تا یک

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

میلیون و سیصد هزار تومان درآمد دارم خودم هم دوست دارم یک مسافرتی برم و آب‌وهوا عوض کنم. باید به دولت پیشنهاد بدید که بچه که به مادر نیاز داره، می‌خواد دانشگاه بره، ازدواج کنه پدرش وسایل خونه رو فروخته می‌گه چطور خواستگار بیاد؟ دولت باید حداقلی برای من در نظر بگیره، من بیمه ندارم، دوبار بیهوش شدم و فقط یکصد هزار تومان پول سرم من شد چون شغل من خیلی استرسزاست و اذیت داره.»

بازدارنده‌های فردی ایجاد کننده تعارض در رابطه با مسوولیت‌های مشترک والدین پس از طلاق: در این محور پنج مضمون فرعی به این شرح استخراج شد.

مضمون یکم، الگوی زندگی هیجان محور: در واکاوی با والدین از جمله الگوهای ارتباطی مسلط بر سبک زندگی آن‌ها، الگوهای هیجان محور بود، بدین معنی که آن‌ها قبل از ازدواج بر پایه الگوهای هیجانی و نه ارزیابی دقیق شرایط، اقدام به ازدواج نموده بودند. در طول زندگی نیز نسبت به دشواری‌ها و تعارض‌های زن و شوهری راهکارهای هیجان مدار به‌کار گرفته بودند، الگویی که از نشانه‌های آن آشفتگی در روابط زناشویی، بی‌اعتمادی، ترس، تکانشگری، ناراحتی و هیجان‌هایی مانند آن بود. بعد از طلاق نیز الگوهای تعاملی آن‌ها هیجان محور منفی بود و الگویی نبود که در آن مصالح کودکان دیده شود و منجر به راهکارهای مقابله‌ای و سازگارانه اثربخش شود. در نتیجه چرخه معیوبی از روابط بین والدین شکل می‌گرفت، به‌گونه‌ای که آن‌ها قادر به ارزیابی دقیق روابط خود و بازسازی آن نبودند، در نتیجه بعد از طلاق نیز قادر نبودند در رابطه با نیازهای یکدیگر در مورد فرزند صحبت کرده و پذیرای نیازها و مسوولیت‌های مشترک باشند. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره هفت عنوان کرد «ما با هم دوست شدیم و بعد از دوماه سریع با هم عقد کردیم.»

مضمون دوم، تعارض‌های حل‌نشده و تجمعی از ابتدای ازدواج: در برخی زوجین تعارض‌های والدین در مسوولیت مشترک والدگری ادامه تعارض‌هایی است که زن و شوهر از ابتدای ازدواج در حوزه‌های مختلف داشته‌اند. این تعارض‌های حل‌نشده در مسوولیت مشترک آن‌ها بعد از طلاق تاثیر گذاشته است، به‌گونه‌ای که آن‌ها قادر به تفکیک تعارض‌های قبل از طلاق و بعد از طلاق نیستند و بعد از طلاق نیز بر دایره تعارض‌های آن‌ها افزوده می‌شود، به‌گونه‌ای که آن‌ها قادر نیستند بعد از طلاق مقابله‌ای اثربخش نسبت به تعارض‌های خود داشته باشند. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره شش بیان کرد «هنوز به هیچ تفاهمی نرسیدیم در مورد بچه، شوهرم بی‌کاره و خیلی مامانیه و بیشتر شهرستانه و مامانش رو به بچه هم ترجیح می‌ده، مثلا ما یکبار با هم مسافرت رفته بودیم توی راه بحث مون شد و شوهرم وسط بیابون من و بچه‌ام را پیاده کرد و رفت.»

مضمون سوم، تفاوت دیدگاه در مراقبت از کودک چالش جدی در مسوولیت مشترک والدگری: از جمله بازدارنده‌های جدی در مسوولیت مشترک والدین، تفاوت دیدگاه در نقش زنان و مردان بود، بدین معنی که برپایه باورهای فرهنگی و دینی نقش زن مراقبتی بوده و وظایفی چون نظارت بر وضعیت آموزشی، بهداشتی، تغذیه و دیگر امور روزانه بر عهده مادر است، همین باور مراقبتی سبب می‌شود در چگونگی مسوولیت‌های مشترک والدگری و زندگی پس از طلاق مشکلات جدی ایجاد شود، از سویی مادر، پدر را ناتوان از انجام مسوولیت‌های پدری می‌بیند. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره سه بیان کرد «در آینده مشکلات کاوه رو درس می‌بینم، چون باباش کمتر می‌تونه به درساش رسیدگی کنه و از من حساب می‌بره ولی از باباش نه. من دوست ندارم بچه تا ده یازده شب بیرون باشه، ولی اون خیلی آزاد می‌گیره. به این فکر نمی‌کنه که نوجون بشه نمی‌شه کنترلش کرد. هرسال زودتر یه معلم می‌اومد و درس جدید رو یادش می‌داد ولی الان زنگ می‌زنم می‌گه برم بازی کنم بعد درس می‌خونم که اونم نمی‌خونه. الان نگران مدرسه‌اش هستم که درسش رو خوند یا نخوند. میشه از اول مهر چهار روز در هفته بیاد پیش من ولی دوست دارم شوهرم هم یه ذره مسوولیت‌پذیرتر باشه، نمی‌شه که من همه کارها رو انجام بدم...»

مضمون چهارم، اشتغال والدین چالشی در مسوولیت مشترک والدگری: از جمله چالش‌های والدین در ایفای مسوولیت مشترک والدین وضعیت اشتغال والدین بود. اشتغال به شکل‌های مختلف تشدیدکننده تعارض‌های مسوولیت مشترک والدگری پس از طلاق بود. به‌عنوان نمونه از جمله بازدارنده‌های والد مادر این بود که چون نقش تبعی داشته و فاقد استقلال مالی بود، نبود این مهم بازدارنده جدی در پذیرش مسوولیت مشترک والدگریست. افزون بر این فقدان درآمد مادر،

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

وی را در تامین نیازهای اساسی وابسته به دیگران قرار می‌داد و امنیت روان‌شناختی را از وی سلب می‌کرد، به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره چهار بیان کرد «خانوادم می‌گن تو توانایی مالی نداری که بخوای بچه رو بزرگ کنی و اصفهان زندگی می‌کنن و اون‌ها هم اونقدر توانایی ندارند که بخواهند حمایت مالی کنند خواهر و برادرم خیلی خواستار طلاق هستند و با این‌که رابطه عمیقی با دخترم دارند ولی می‌گن بره به پدرش.» از سویی برخی والدین چون هر دو شاغل بودند، این اشتغال و تنیدگی‌های مسوولیت شغلی و مراقبتی از جمله زمینه‌های تعارض بین والدین بود.

مضمون پنجم، ازدواج مجدد والدین چالش مسوولیت مشترک والدگری: در گفتگو با والدین طلاق گرفته از جمله چالش‌های جدی آن‌ها زمانی بود که یکی از والدین به‌ویژه مادر اقدام به ازدواج مجدد می‌نمود و این مساله در چگونگی مسوولیت‌های مشترک تاثیرگذار بود. به‌ویژه زمانی که مادر اقدام به ازدواج می‌کرد، وی با بازدارنده‌های بیشتری روبرو بود، از جمله این بازدارنده‌ها، بازدارنده‌های فرهنگی و دینی بود به این معنی که زن متاهل مطلوب نیست با همسر سابق خود در ارتباط باشد، این چالش زمانی جدی می‌شد که جنسیت فرزند دختر بود. پدر ارتباط دختر با مردی بیگانه را در تعارض با اصول اخلاقی می‌دید. یا از سویی کلیشه‌های رایج مبنی بر خشونت روا داشته از سوی ناپدری و نامادری از جمله موانع دیگر در این زمینه بود. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره یک بیان کرد «اگه ازدواج کنه من نمی‌ذارم بچه خونشون بره چون ذهنیت خوبی از ناپدری ندارم.»

سازکارهای والدین پس از طلاق برای مسوولیت مشترک والدگری: در دسته‌بندی از مضامین برآمده از مصاحبه‌ها جهت شناسایی سازکارهای والدین در مسوولیت‌پذیری مشترک، پنج مضمون به این شرح کشف شد.

مضمون یکم، سازکارهای توافقی برای مسوولیت‌های والدگری مشترک: در بین مشارکت‌کنندگان پژوهش گروهی از والدین به‌واسطه درک اهمیت اولویت مصالح و منافع کودکان، مکانیسم‌های مشخص و توافق شده‌ای را برای ادامه فرزندپروری به‌صورت مشترک پس از جدایی اتخاذ کرده بودند. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره ده گفت «بچه وقت زیادی را با من می‌گذرونه ولی وابستگی زیادی به پدر داره بعد از جدایی طبق توافق روزهایی که پدر کار دارد بچه را من نگه می‌دارم و اون می‌تونه هروقت می‌خواهد بچه را ببینه و با هم به امور بچه رسیدگی کنیم.» برخی از والدین نیز در راستای منافع کودک، برای این‌که بتوانند همراهی همسر خود را پس از جدایی در ارتباط با مسوولیت‌های کودک داشته باشد، حاضر به حمایت مالی از همسر شده‌اند. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره دوازده گفت «من شاغل نیستم و امکان تامین هزینه‌های روزهایی که دخترم باهم باشه را ندارم همسر سابقم به‌خاطر بچه حاضر شده ماهانه مبلغی رو به من بده تا من هم بتونم چند روز در هفته از بچه نگهداری کنم.»

مضمون دوم، سازکارهای ناکارآمد برای مسوولیت‌های والدگری مشترک: شیوه دیگری از مکانیسم‌هایی که والدین پس از جدایی در رابطه با مسوولیت‌های والدگری خود اتخاذ کرده‌اند این گونه است که هر دو والد کنشگر فعالی هستند اما وظایف را به‌طور کاملا جداگانه و مستقل از هم تقسیم کرده‌اند، به‌گونه‌ای که نه‌تنها این تقسیم وظایف در راستای هم‌افزایی یکدیگر نیست بلکه در وضعیتی رقابتی بین خود به تخریب موقعیت والد دیگر بوده و تلاش بر اثبات والد بهتر بودن است. اگرچه در این شیوه هر دو والد مسوولیت‌های کودک را برعهده دارند اما عملکرد آنان نه‌تنها موجب ارتقا رفاه کودک نیست، در بسیاری موارد سلامت روانی کودک را مورد تهدید قرار می‌دهد. در این شیوه، والدین در با این‌که باور به‌ضرورت وجود پدر و مادر در زندگی کودک دارند، اما مخالف همزمانی این حضور هستند و از کودک انتظار دارند که پدر و مادر را در دو دنیای جداگانه در نظر بگیرند، دنیایی که پدر در آن نقش فعال دارد و مادر در سایه است و برعکس، و کودک همواره در حال تغییر این دو دنیا است. به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شماره نه گفت «قراره که بچه‌ها روزهای آخر هفته برن پیش پدرشون و بقیه روزها با من باشند، وقتی پیش اون هستند نباید با من ارتباط بگیرند و وقتی پیش من هستند با اون نباید ارتباط بگیرند.»

مضمون سوم، سازکارهای اجتنابی برای مسوولیت‌های والدگری مشترک: برخی والدین در فرایند طلاق چه حین آن و چه پس از آن در رابطه با مسوولیت‌های مشترک والدگری گفتگو نمی‌کنند و مکانیسم‌های اجتنابی را انتخاب می‌کنند، به‌گونه‌ای که آن‌ها ترجیح می‌دهند برای جلوگیری از

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

تعارض و یا دوری از روبرو شدن با مشکلات، از گفتگـو در رابطه با چگونگـی مراقبت از فرزنـد پرهیز کننـد، که در ایـن میان برخی والدین سکوت کرده و نسبت به خواسته‌های طرف مقابل تسلیم می‌شـدند، به‌عنوان نمونه مشارکت‌کننده شـماره یک گفت «در مورد حضانت بچه هنوز تصمیم نگرفتیم چون یک شب بچه نباشه من بی‌تابم ولی از نظر قانونی تا هفت سال با مادره و روزها هم باید با مادرش باشه چون من از هشت تا پنج سرکارم.»

مضمون چهارم سازکارهای تعارض افزا برای مسـوولیت‌های والدگری مشـترک: برخی والدین مکانیسم‌هایی که جهت مراقبت از فرزنـد بعـد از طلاق بر عهده می‌گرفتند، به تعارض و تنش بیشـتری بین والدین منجر می‌شـد. درواقع مکانیسم‌های تعارض‌آمیز بدین معنی اسـت که والدین پس از طلاق در رابطه با چگونگی مراقبت مشـترک از والدین به یک سـبک حل مسـاله مثبت نمی‌رسـیدند و راهکارهای آن‌هـا هیجان محور بود که در برخی موارد منجر به خشـونت بین آن‌ها می‌شـد، به‌گونه‌ای که والدین نسبت به یکدیگر انواع خشونت‌ها را روا می‌داشتند، به‌عنوان نمونه یکی از خشونت‌هایی که بین والدین شایع بود، محروم کردن والد دیگر از دیدن فرزند به‌مثابه نوعی رفتار پرخاشـگرانه بود، به‌عنوان نمونه مشـارکت‌کننده شـماره دو گفت «ما از چهار سال پیش وارد پروسه طلاق شدیم و توی این فاصله به مدت شش ماه بچه رو از من جدا کرد و حتی نمی‌گذاشـت توی مدرسه هم ببینمش، ولی من با خواهش و التماس از مدیر مدرسه‌اش می‌تونستم پنج دقیقه ببینمش.»

بحث

ازدواج و پیـرو آن طلاق امری اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و برپایه ویژگی‌های فردی صورت می‌گیرد، بنابراین چگونگی حفظ مصالح کودک پس از طلاق و شناسایی بازدارنده‌های مسوولیت مشترک والدین در گرو فهمی از زمینه‌های یاد شده اسـت. در بسـتر فرهنگی مراقبت از فرزند امری مادرانه و مالکیت فرزند امری پدرانه تلقی می‌شود، بنابراین پس از جدایی از جمله چالش‌های پدران این اسـت که فهمی درسـت و دقیق از نقش پدر در امر مراقبت ندارند، از سویی مادران نیز پس از جدایـی مصالح کودک را از دسـت‌رفته دیده و نگرانـی عمده‌ای در رابطه با چگونگی مراقبـت از وی تجربه می‌کنند. همچین مادران چون با باور فرهنگی و حقوقی غالب مالکیت فرزند امری پدرانه اسـت روبرو هسـتند، ترس و بیم از دست دادن فرزند و انحصار فرزند در قلمرو پدر را تجربه می‌کنند. از سـویی مادران به‌دلیل کلیشـه‌ها و باورهای فرهنگی برچسب اخلاقی طلاق را به‌مثابه یک تابو تجربه می‌کنند و بعد از طلاق شـبکه اجتماعی و حمایتی مادران محدود شـده و آن‌ها در گذران زندگی روزانه از اجاره منزل تا تعامل با دیگران با محدویت و در پاره‌ای زمان‌ها با سـرزنش اجتماعی روبر و هستند. به‌عنوان نمونه یکی از بازدارنده‌های فرهنگی مهم در سـر راه مسـوولیت مشترک والدین، مساله حرمت شرعی زنان و مردان پس از جدایی است. به این معنی که اگر والدین پس از جدایی در رابطه با فرزند تعاملی داشته باشند، این تعامل به‌مثابه فعلی حرام و همراه با سـرزنش اجتماعی است، از سـویی به‌ویژه زنان از جمله بازدارنده‌های آن‌ها برای ازدواج مجدد این است، که پس از ازدواج محدودیت‌های جدی در ارتباط با همسـر قبلی تجربه می‌کننـد. از نظر اجتماعی، پدارن و مادران به‌دلیل این‌که شبکه به‌هم‌پیوسته خانواده و مزایای آن را از دست داده‌اند، جایگزین مناسبی برای ترمیم گسست شبکه خانواده برای ادامه کارکردهای پدری و یا مادری خود ندارند. به‌عنوان نمونه پدارن و یا مادران به‌دلیل اشتغال تمام‌وقت چالش نگهداری از فرزند و انجام سـایر امـور مرتبط به وی را دارند و چالش محل نگهداری فرزند یکـی از چالش‌های مهم والدین پس از جدایی اسـت. به‌عنوان نمونه به‌دلیل طلاق ارتباط مادر کاملا با خویشـان همسـر سابق گسسته می‌شـود، از سویی به‌دلیل نداشتن منابع درآمدی کافی قادر به انتقال کودک در مهدکودک و پرداختن به امر اشتغال ندارد و همین مهم تعارض جدی بین مسوولیت‌های مراقبتی و شغلی مادر ایجاد می‌کند. این چالش‌ها زمانی جدی می‌شود که به این واقعیت پرداخته شود که والدین در فرایند طلاق چه حین و چه بعد از آن نسـبت به چگونگی مسـوولیت‌های مشترک پس از طلاق آموزش ندیده و به بیانی تیز نگرتر جامعه‌پذیر نمی‌شوند و مجموعه این عوامل روابط والدین را از الگوی همکاری مشترک به الگوی تخاصم و تعارض تبدیل می‌کند. بازبینی فرایند قضایی طلاق نشـان‌دهنده این است که مصالح کودک به‌طور جدی دیده نمی‌شود و تغییر در فرایند طلاق و شـکلگیری الگوهای مشاوره در بستر قضایی بیشتر متمرکز بر حفظ ساختار خانواده است، اما این خلا جدی که اگر والدین طلاق بگیرند مصالح کودکان چگونه حفظ شود؟ مورد اعتنا نیست. افزون بر این ساختار حقوقی

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

ایران در جهت حمایت از والد تنها نیست و در این زمینه به‌عنوان نمونه می‌توان به الگوی حمایتی نهادهای حمایتی ایران چون کمیته امداد امام خمینی و یا بهزیستی و یا سایر سازمان‌های مردم‌نهاد دقت کرد که الگوی حمایتی آن‌ها در جهت حمایت از والد مادر تنها است و والد پدر تنها در سیاستگذاری‌های خانواده جایگاهی ندارد. در واکاوی الگوهای ازدواج مشارکت‌کنندگان پژوهش، بیشتر الگوی ازدواج خانواده‌ها هیجان محور و بدون ارزیابی دقیق و درست شرایط بود و به‌عبارتی گزینش غیرعقلانی بود. از سویی چنین الگوی هیجان محوری در فرایند زندگی نیز حفظ می‌شد و آن‌ها در حل تعارض‌های خانوادگی به‌جای آن‌که راهکارهای عقلانی انتخاب کنند، راهکارهای مبتنی بر هیجان انتخاب می‌کردند. چنین الگوی بعد از طلاق در رابطه با مراقبت از فرزند نیز ادامه می‌یافت. از سویی یکی از زمینه‌های جدی تعارض بین والدین تفاوت دیدگاه آن‌ها در زمینه چگونگی تربیت فرزند بود. در زمینه سازوکارهای والدین پس از طلاق در رابطه با مسوولیت مشترک والدین الگوهای مختلفی وجود داشتند، به‌عنوان نمونه برخی والدین از سازکارهای توافقی برای مسوولیت‌های مشترک بهره می‌گرفتند و کوشش می‌نمودند به یک الگوی مناسب از تقسیم مسوولیت و حفظ نقش پدری و مادری برسند. برخی از والدین از سازکارهای اجتنابی بهره می‌گرفتند، یعنی نسبت به نقش پدری و مادری و چگونگی تقسیم مسوولیت‌ها سکوت می‌کردند و یا آن را نادیده می‌گرفتند. برخی از والدین نیز سازکارهای تعارضی داشتند و چگونگی مراقبت از فرزند برای آن‌ها یک چالش جدی بود. در یک تقریر کلی، در ایران نظام حقوقی، آموزشی، فرهنگی و اجتماعی پیشرو نسبت به حفاظت از منافع کودک قبل از طلاق، در جریان طلاق و پس‌ازآن وجود ندارد، از سویی دیگر در زمینه مسوولیت مشترک والدگری، سواد والدین بسیار پایین است و مراجع دولتی، خصوصی، مردم‌نهاد ویژه‌ای نسبت به آموزش این امر در ایران وجود ندارد. والدین برحسب سلایق شخصی و آزمون و خطا به درکی از مسوولیت می‌رسند، بنابراین ترویج فرهنگ مسوولیت مشترک والدین وابسته به اصلاح نهادی، ترویج باورهای فرهنگی و اجتماعی حافظ منافع کودک و افزایش سواد والدین دارد.

از سویی با توجه به فلسفه عملگرایی در مددکاری اجتماعی به‌نظر می‌رسد داده‌های این پژوهش می‌تواند برای طراحی مداخلات در عرصه فرزندپروری مشترک کمک شایانی نماید.

راه‌بست‌ها: محدود بودن مشارکت‌کنندگان. استفاده از مصاحبه به عنوان تنها ابزار گردآوری داده.

پیشنهادها: پیشنهاد می‌شود تا پژوهش‌هایی در راستای طراحی مداخلات و یا اثربخشی مداخلات فرزندپروری مشترک/ مسوولیت مشترک والدگری در نظر گرفته شود تا بتوان در گروه‌های مختلف والدین پس از طلاق، مداخلات مبتنی بر شواهدی را در جامعه ایران به‌دست آورد و متعاقبا از آن‌ها در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کاهش طلاق و بهبود کیفیت زندگی در خانواده و کودکان استفاده نمود.

سپاسگزاری: از دانشگاه علامه طباطبایی برای حمایت مالی از این پژوهش تشکر می‌نماییم، همچنین از همه شرکت‌کنندگان که ما را در انجام پژوهش حاضر یاری نمودند، تقدیر و تشکر به‌عمل می‌آید.

تضاد منافع: هیچ نوع تضاد منافعی چه نویسندگان با یکدیگر و چه با افرادی خارج از تیم نویسندگان و چه با سازمان‌ها و ... وجود ندارد.

منابع

References:

1. Kamińska K. Legal and psychological perspectives on parental responsibility and shared residence after divorce. Studia luridica. 2023; (101): p.136-149 https://studiaiuridica.pl/article/544743/en

2. Mickovik D, Selmani-Bakiu A. Parental responsibility after divorce: The case of North Macedonia. International Journal of Law, Policy and the Family. 2021 Jan 1;35(1): DOI:10.1093/lawfam/ebab018 https://academic.oup.com/lawfam/article-abstract/35/1/ebab018/6307110?redirectedFrom=fulltext

3. Statistical Centre of Iran. Iran Statistical Yearbook. 2021. [Pesian]. https://amar.org.ir/statistical-infor-

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]

mation/statid/28273
4.Tabatabaei FS, Farahbakhsh K, Fallah MH, Afshani SA. Components of adolescents' lived experiences after their parents' divorce: A qualitative study. The Journal of
Toloo-e-behdasht. 2024; 23 (1): p.51-66.[Persian]. https://tbj.ssu.ac.ir/browse.php?a_id=3574&sid=1&slc_lang=en&html=1
5. Smith-Etxeberria K, Corres-Medrano I, Fernandez-Villanueva I. Parental divorce process and post-divorce parental behaviors and strategies: Examining emerging adult children's attachment-related anxiety and avoidance. International Journal of Environmental Research and Public Health. 2022; 19(16):10383. https://doi.org/10.3390/ijerph191610383
6. Lohse, J. Ongoing shared parenting reforms in Denmark. In: Communication at international conference on shared parenting. 2015 December. p.9–11 https://www.worldparents.org/webinar/
7.Teubert D, Pinquart M. (2011). The link between coparenting, parenting, and adolescent life satisfaction. Family Science, 2(4): p.221-229 https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/19424620.2012.666655
8. Khodjestemehr R, Fallahi Khoshknab M, Hejari S, Soudani M. Parenting after divorce: A qualitative study. Behavioral Sciences Research. 2017; 15(2): p. 239-245. [Persian] https://rbs.mui.ac.ir/article-1-537-en.html
9. Hamidi R, Ahmadi S, Heydari H. Parents' lived experience of parenting challenges after divorce: A phenomenological study. Journal of Psychological Science.2024. 23(138): p 189-208. https://psychologicalscience.ir/article-1-2262-en.html
10. Galbraith N, Kingsbury M. Parental separation or divorce, shared parenting time arrangements, and child well-being: New findings for Canada. Canadian Studies in Population . 2022.49,75-108 https://doi.org/10.1007/s42650-022-00068-0
11. Feinberg ME. The internal structure and ecological context of coparenting: A framework for research and intervention. Parenting: Science and Practice. 2003 May 1;3(2): p.95-131. https://pmc.ncbi.nlm.nih.gov/articles/PMC3185375/
12.Kruk E. Promoting co-operative parenting after separation: A therapeutic/interventionist model of family mediation. Journal of Family Therapy. 1993 Aug;15(3): p.235-61. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/10.1111/j.1467-6427.1993.00757.x

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-11-25]